



اظهار نظر کارشناسی درباره: «لایحه قضازدایی و حذف برخی عناوین مجرمانه از قوانین»

مقدمه

بازه زمانی تدوین لایحه قضازدایی و حذف برخی عناوین مجرمانه از قوانین به حدود هشت سال قبل برمی‌گردد. این لایحه در ابتدا در دوره هشتم مجلس شورای اسلامی مطرح شد که با عنایت به ایرادات قابل توجه، در مجلس هشتم به نتیجه نرسید. این لایحه مجدداً در دوره نهم بدون هیچ تغییری در دستور کار قرار گرفت که با عنایت به ابهامات و ایرادات لایحه در این دوره نیز پس از مطرح شدن در جلسات متعدد در کمیسیون قضایی مجلس به سرانجام نرسید. اکنون در دوره دهم مجلس نیز این لایحه بدون تغییر مجدداً در دستور کار قرار گرفته است. در این گزارش به بررسی این لایحه پرداخته می‌شود.

مشخصات لایحه

دوره دهم - سال اول

شماره ثبت:

۶۰

شماره چاپ:

۷۱

ارزیابی کلیات لایحه

۱. بررسی مفاد این لایحه حاکی از آن است که تدوین لایحه از رویه واحد، منسجم و اصول مشخصی در قضازدایی متناسب با سیاست قضایی جمهوری اسلامی ایران تبعیت نمی‌کند. در واقع تدوین سیاست‌های کلی در رابطه با قضازدایی مقدمه و شرط لازم برای تهیه لایحه قضازدایی است تا به سبب آن اصول حاکم بر قضازدایی معلوم گردد و روندی غیرمشخص بر قضازدایی حاکم نگردد. عدم تبعیت لایحه از یک سیاست قضازدایی روشن و شفاف نه تنها موجب تحقق اهداف متصور از آن نیست، بلکه می‌تواند تهدیدی مؤثر برای سلامت و امنیت عمومی جامعه به‌شمار آید.

تاریخ چاپ:

۱۳۹۵/۴/۲۸

معاونت پژوهش‌های

سیاسی - حقوقی

دفتر: مطالعات حقوقی

۲. هدف از لایحه قضازدایی در زمان تدوین آن کاهش موارد استفاده از مجازات زندان در جرائم کم‌اهمیت، در راستای تحقق بند «۱۴» سیاست‌های کلی قضایی نظام مطرح شده که با تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ و پیش‌بینی مجازات‌های جایگزین حبس، می‌توان گفت در صورت اجرای صحیح مقررات این قانون این هدف تا حدودی محقق خواهد شد.

مشخصات گزارش

شماره مسلسل:

۲۴۰۱۵۰۱۳

۳. خاستگاه مطرح شدن نظریه‌های قضازدایی نظام‌های حقوقی است که رسیدگی به جرائم در آنها در صلاحیت قضات و افرادی است که معیار انتخاب و انتصاب ایشان تحصیلات حقوقی است در نتیجه واگذار کردن امر قضا به نهادهای شبه‌قضایی تنها هویت ظاهری و شکلی داشته و در ماهیت تأثیری ندارد در حالی که در نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران، قاضی مأذون از ولی فقیه است و لذا امر قضاوت از این جهت امری حساس و خطیر است که واگذاری آن به افراد دیگر که شایستگی و صلاحیت‌های لازم برای تصدی امر قضا را نداشته‌اند باید به‌صورت حداقلی و در موارد اضطرار صورت گیرد.

تاریخ انتشار:

۱۳۹۵/۶/۳۱

۴. واگذاری امر خطیر قضا مغایر با اصول متعدد از قانون اساسی، حقوق مسلم و تردیدناپذیر ملت و موجب تداخل وظایف قوای قضائیه و مجریه و افزایش بار مسئولیت دولت می‌باشد.

۵. در نظام‌های حقوقی مذکور نیز از رفتارهایی جرم‌زدایی شده که غلبه با حیثیت خصوصی آنهاست این درحالی است که در این لایحه از رفتارهایی مانند تخریب و احراق مراتع و جنگل‌ها، شکار و صید جانوران، صید ماهی و آبزیان، تبلیغات و معرفی خلاف واقع داروها، مواد شیمیایی و فرآورده‌های بیولوژیک، اشتغال بدون مجوز به حرفه پزشکی و داروسازی، قاچاق هرگونه مواد دارویی و فرآورده‌های بیولوژیکی که دارای حیثیت عمومی و در ارتباط مستقیم با سلامت انسان و محیط زیست است قضا‌زدایی شده است.

۶. امکان تجدیدنظر در دادگاه‌های عمومی موجب اطاله دادرسی و بازگشت پرونده‌های متعدد به فرآیند قضایی می‌شود و قطعی شدن آرا در هیئت‌ها مانع از رسیدگی دیوان عدالت اداری خواهد بود که مغایر با اصل یکصدوهفتادوسوم قانون اساسی است همچنین سازوکاری برای نظارت عالی بر حسن اجرای مقررات قانونی در هیئت‌های بدوی و تجدیدنظر و ایجاد وحدت رویه میان آنها وجود ندارد.

۷. درحال حاضر عملکرد مقامات قضایی کشور تحت کنترل ضمانت اجرای کیفری و انتظامی است که تخلف آنان از شرح وظایف شغلی و سازمانی مستوجب اعمال مجازات ماده (۵۹۷) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) و بعضاً منشأ تعقیب و تنبیه در مراجع انتظامی است درحالی که هیئت‌های رسیدگی متشکل از مسئولین اداری و اجرایی فاقد نظارت‌های عالی می‌باشند.

۸. در جلسات متعدد کارگروه‌هایی که به بررسی این لایحه در دوره‌های قبل می‌پرداختند به دفعات کارشناسان ارشد نهادهای مختلف از جمله سازمان حفاظت محیط زیست، سازمان جنگل‌ها و مراتع و آبخیزداری کشور، وزارت کار، سازمان دامپزشکی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مخالفت خود را با جرم‌زدایی از جرائم علیه محیط زیست و بهداشت و سلامت عمومی به‌دلیل ضرورت حمایت کیفری از آن مطرح کرده‌اند.

۹. جرائمی که تعداد قابل توجه دعاوی را در مراجع قضایی به خود اختصاص می‌دهند؛ جرائم مالی، جرائم خشونت‌آمیز، جرائم علیه امنیت، قاچاق مواد مخدر، قاچاق کالا و ارز و جرائم علیه عفت عمومی و... می‌باشند و جرائمی که تلاش می‌شود از آنها در این لایحه جرم‌زدایی شود سهم بسیار ناچیزی را به خود اختصاص می‌دهند.

نتیجه‌گیری

اگرچه موضوع قضا‌زدایی و جرم‌زدایی یکی از نیازهای نظام قضایی می‌باشد با این‌حال چگونگی تدوین مفاد این لایحه به‌نحوی است که با ایرادات و ابهامات قابل توجهی مواجه می‌باشد. موضوعاتی که در این لایحه سعی شده است از آنها جرم‌زدایی شود همچون حوزه سلامت و زیست‌محیطی از جمله مواردی است که ارتباط تنگاتنگی با مصالح، منافع و حقوق عامه مردم دارد از این‌رو هرگونه تصمیم‌گیری درخصوص موارد مطروحه در این لایحه نیازمند تبیین دقیق اصول و ضوابط ناظر بر فرآیند قضا‌زدایی و جرم‌زدایی از این حوزه‌ها می‌باشد. در نتیجه رد کلیات این لایحه مورد پیشنهاد می‌باشد. لازم به‌ذکر است در لایحه برنامه ششم که درحال حاضر در مجلس شورای اسلامی درحال بررسی می‌باشد تکالیفی برای دستگاه قضایی درخصوص تدوین مقرراتی ناظر بر کاهش عناوین مجرمانه و تفکیک عناوین مجرمانه از تخلفات پیش‌بینی شده است که امید می‌رود لوایح مورد نیاز به نحوی تدوین گردد که اهداف متصور از جرم‌زدایی را محقق کند.